

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله احكام اسلامي ۸



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

۱- تعريف خلع:

خلع در لغت از كلمه (خلع الثوب) يعنى لباسش را
در آورد، گرفته شده است؛ چون زن لباس مرد و مرد هم
لباس زن است. خداوند متعال مى فرمايد :

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره : ۱۸۷)

«آنان باری شما و شما برای آنان (همچون) لباس هستيد.»
و در شرع؛ خلع عبارت است از اينكه زنى كه شوهرش را
نمی پسندد بوسيله پرداخت مال به شوهرش خود را از قيد
نكاح آزاد مى كند. يعنى مبلغى پول به شوهر مى دهد تا
شوهر او را جدا كند. فقه السنه (۲/۲۵۳)، منار السبيل
(۲/۲۲۶)، فتح الباری (۹/۳۹۵).

پس هرگاه اختلاف بين زن و مرد شدت گرفت و امكان
ادامه زندگى بين آنان وجود نداشت، و زن مایل به جدایی
از شوهرش شد، در اينصورت بايد مالی را بمنظور جبران
ضرر ناشی از جدایی به شوهرش بدهد، و از او
درخواست جدائی كند. خداوند متعال مى فرمايد :

«وَلَا تَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا
إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا

حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» (بقره : ۲۲۹)

«و برای شما حلال نیست كه چیزی از آنچه (مهر ایشان
كرده ايد يا) بدیشان داده ايد باز پس گيريد مگر اينكه،
(شوهر و همسر) بترسند كه نتوانند حدود خدا را پابرجا
دارند. پس اگر بیم داشتيد كه حدود الهی را رعایت نکنند
گناهی بر ایشان نیست كه زن فديه و عوضی بپردازد (و
در برابر آن از او درخواست جدائی كند).»

۲- حكم خلع:

اگر شرایط خلع تحقق پیدا كند، خلع جایز است.
از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت است زن ثابت بن
قیس كه از شوهر خود شاکی بود و می گفت: یا رسول الله
صلی الله علیه وسلم در دیانت و اخلاق او عیبی نمی بینم
لكن دوست ندارم كه در حالت مسلمانی كفران نعمت
كنم. رسول الله صلی الله علیه وسلم باو فرمود: «أَتُرَدِّينَ
عَلَيْهِ حَدِيثَهُ؟» «آيا شوهرت تو را رها كند باغی را كه
به تو داده است، باو پس می دهی؟» زن گفت: آری، آنگاه
رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به شوهرش، ثابت
بن قیس فرمود: «أَقْبِلِ الْحَدِيثَ وَطَلِّقْهَا تَطْلِيقَةً»
«باغ را قبول كن و در عوض يك طلاق به همسرت بده.»
(بخاری و نسائی).

پرهیز از خلع:

از ثوبان رضی الله عنه روایت است كه پیامبر صلی الله
علیه وسلم فرمود : (أَيْمًا امْرَأَةٌ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ

من غیر ما بأس فحرام علیها رائحة الجنة) «هر

زنی که بدون دلیل از شوهرش تقاضای طلاق کند، بوی بهشت بر او حرام است». ترمذی

و همچنین از ثوبان رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

(المختلعات هن المنافقات) «زنانی که خواهان

خلع هستند، منافق اند». ترمذی

تذخیر مردان از عضل زنان:

عضل یعنی بازداشتن، و در اینجا یعنی اینکه مرد همسرش را در خانه نگه دارد که نه بعنوان یک همسر با او رفتار کند و نه به او اجازه ازدواج با دیگری را بدهد.

هرگاه مرد همسرش را دوست نداشته باشد و بنا به دلایلی از او ناراضی باشد، باید او را به طور شایسته، همانطور که خداوند متعال امر فرموده از خود جدا کند، جایز نیست که او را حبس کند و یا به او ضرر برساند طوریکه زن مجبور شود که با پرداخت مالی خودش را نجات دهد، خداوند متعال می فرماید :

«وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبِغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُقْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا^۱ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ^۲ وَلَا تَتَّخِذُوا^۳ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا^۴ وَأَذْكُرُوا^۵ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ^۶

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۹۰﴾ (بقره :

۲۳۱)

«و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به عده خود رسیدند، یا به طرز صحیح و عادلانه‌ای آنان را نگاه دارید یا آنان را به طرز پسندیده و دادگرانه‌ای رها سازید، و بخاطر زیان رسانیدن بدیشان و تعدی کردن بر ایشان هیچگاه ایشان را نگاه ندارید، و کسی که چنین کند بی گمان به خویشتن ستم کرده است، و آیه‌های خدا را به استهزاء نگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می دهد بخاطر بیاورید و از خدا بهره‌ییزد و بدانید که بیگمان خداوند از هر چیزی آگاه است».

همچنین می فرماید :

«يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا^۱ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ^۲ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ^۳ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ^۴ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿۱۹۰﴾ (نساء : ۱۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما درست نیست که زنان را (همچون کالایی) به ارث ببرید، حال آنکه چنین کاری را نمی پسندند، و وادار بدان می گردند، و آنانرا تحت فشار قرارندهد؛ تا بدینوسیله برخی از آنچه را که بدیشان داده‌اید دوباره به دست آورید؛ مگر اینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند. و با زنان خود بطور شایسته معاشرت کنید

و اگر هم از آنان کراهت داشتید، (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوان قرار بدهد».

خلع فسخ است، طلاق نیست:

اگر زنی در مقابل پرداخت مالی، خود را از شوهرش آزاد کرد و جدا شد، مالک نفس خود می گردد و مرد نمی تواند او را بدون رضایتش بازگرداند. این جدای اگر با لفظ طلاق هم واقع شود، طلاق محسوب نمی گردد بلکه فسخ عقد است به خاطر مصلحت زن برابر مالی که خودش را با آن آزاد کرده است.

ابن قیم جوزیه (ره) می گوید :

«آنچه دلالت بر این دارد که خلع، طلاق نیست این است که خداوند متعال در طلاق بعد از دخول، و قبل از وقوع طلاق سوم سه حکم را قرار داده، که هیچکدام از آنها در خلع وجود ندارند :

۱- در طلاق شوهر اختیار به بازگرداندن زن را دارد.

۲- طلاق مذکور جزء سه طلاق محسوب می شود. لذا بعد از تمام شدن سه طلاق، زن برای شوهرش حلال نمی شود مگر بعد از ازدواج با مردی دیگر و همبستر شدن با او.

۳- عده در طلاق، سه طهر است.

با نص و اجماع ثابت شده که در خلع رجوع کردن نیست (شوهر حق بازگرداندن زن را ندارد).

و با سنت اقوال صحابه ثابت شده که عده در خلع یک حیض است.

و با نص ثابت شده که بعد از دو طلاق، خلع جایز است و بعد از این خلع، طلاق سوم واقع می‌شود. بسیار واضح است که خلع، طلاق نیست خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الطَّلُقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَنٍ وَلَا تَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ تَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ﴾ (بقره: ۲۲۹)

«طلاق دو بار است نگهداری به گونه شایسته یا رها کردن با نیکی، و بر شما حلال نیست که چیزی از آنچه بدیشان داده‌اید باز پس بگیرید مگر اینکه، بترسند که نتوانند حدود خدا را پابرجا دارند؛ پس اگر بیم داشتید که حدود الهی را رعایت نکنند گناهی بر ایشان نیست که زن فدیه و عوضی بپردازد».

این حکم، به زن دو بار طلاق داده اختصاص ندارد، هم او را شامل می‌شود و هم دیگران را، و جایز نیست که ضمیر به کسی برگردد که ذکر نشده و کسی که ذکر شده را شامل نشود، بلکه یا باید به مذکور اختصاص پیدا کند و یا شامل مذکور و غیرمذکور گردد. سپس می‌فرماید:

﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ﴾ (بقره: ۲۳۰)
«پس اگر او را طلاق داد از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود».

و این قطعاً زنی را شامل می‌شود که بعد از دوبار طالق و فدیه، طلاق داده شود؛ چراکه در آیه قبلی چنین زنی ذکر شده است، بنابراین باید لفظ شامل آن بشود، و ترجمان قرآن (عبدالله بن عباس) که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای او دعا کرد تا خداوند به او تفسیر یاد دهد و بدون شک این دعا در حقش مستجاب شده، آیه را چنین فهمیده است. و از آنجائیکه احکام فدیه (خلع) متفاوت با احکام طلاق است در می‌یابیم که فدیه از جنس طلاق نیست و این مقتضای نص و قیاس و اقوال صحابه است».

۳- شرایط خلع:

۱- کراهیت و ناپسندیدگی از ناحیه همسر باشد. اگر کراهیت و ناراضگی از طرف شوهر است، شوهر نمی‌تواند چیزی از همسر بگیرد. او باید صبر کند و اگر احتمال ضرر وجود دارد، بدون دریافت مال او را طلاق دهد.

۲- همسر حق تقاضای خلع را ندارد مگر زمانی که کراهیت و ناراضگی به حدی برسد که ادامه نکاح منجر به عدم رعایت حدود الله شود، چه در حق همسر یا در حق شوهر.

۳- شوهر قصد آزار و اذیت همسر را نکند تا خواسته باشد با ضرر رساندن به همسرش با وی خلع کند، احیاناً اگر بدین منظور اذیتش کند، گرفتن هر گونه معاوضه برایش حرام است و او با چنین قصد و اراده عاصی و گناه کار است. خلع، یک طلاق باین محسوب می‌شود. شوهر

بعد از آن حق مراجعت ندارد. فقط با تجدید عقد می‌شود دوباره زن و شوهر شوند.

۴- احکام خلع:

۱- مستحب است که شوهر بیش از آنچه که به عنوان مهریه به همسرش داده است، پس نگیرد. زیرا ثابت بن قیس در جریان خلع با همسرش تنها همان باغ را پس گرفت که به عنوان مهریه باو داده بود. و آن هم بدستور رسول اکرم صلی الله علیه وسلم.

۲- خلع اگر بوسیله صیغه و لفظ «خلع» صورت گرفته است، یک حیض عده او محسوب می‌شود، مانند مستبرئه (کنیز خریده شده) او نیز برای مشخص شدن، که آیا از مالک قبلی حامله است یا خیر، فقط یک حیض عده دارد. و اگر خلع با واژه «طلاق» صورت گرفته، جمهور بر این باوراند که عده‌اش سه حیض است.

۳- بعد از خلع شوهر حق رجوع به همسرش را ندارد.

۴- پدر می‌تواند به وکالت از دختر نابالغ خود معامله خلع را انجام دهد، مشروط بر اینکه عدم فرقت موجب ضرر و زیان شود.

وصلی الله وسلم علی نبیها محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.